

→
الْوَطَاءُ

العُرب

الضَّائِر

التَّقي

نَصَب

مَدَح

الكِبَار

إِسْتَلَمَ
الحَجَرَ

بزرگتر
قوم

زیان
رساننده

ناشناخته
شمرد

ناشناخته
شمرد

برپا کرد

جای پا

العَلَم

بَيْنَمَا

برپا کرد

طواف
کرد

کوچ کرد

سنگ را
مسح ک

آشکار
کرد

ناگهان
آمد

الْحِلَّ

إِسْتَلَمَ

دشت
مکه

ستود

مَسَح کرد

طواف
می کند

پاک
خالص

پرهیزگار

أَنْكَرَ

رَغِبَ
فِيهِ

اورا از آن
بی نیاز کرد

در حالی
که

بزرگ

به آن
علاقه مند
شد

بزرگان

بیرون
احرام

إِذْ جَاءَ

①

المُعْجَم / الدرس الرابع

②

يَطُوفُ

طَافَ

النَّقي

البَطْحَاء

جَهَرَ بِـ

الكَبِير

رَحَلَ